

تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها: از آشتی ملی تا سیاست سرکوب (۲۰۱۵-۲۰۰۲)

صغری فرحمنده^۱، علیرضا سمیعی^۲

تاریخ دریافت: ۲۴. ۶. ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۱۴. ۱۲. ۱۳۹۶

چکیده

رویکرد رهبران حزب عدالت و توسعه در قبال اقلیت کرد، پس از پیروزی پارلمانی ۲۰۰۲ نشان از حرکت این کشور به سمت آشتی ملی^۳ در سال‌های آتی داشت. با این حال، در ادامه این حزب عملاً نتوانست به تعهدات خود در قبال این اقلیت، جامه عمل بپوشاند. بر این پایه، هدف پژوهش حاضر بررسی چرایی تغییر و نوسان رویکردهای حزب عدالت و توسعه در قبال کردها بین سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۰۲ است. بدین ترتیب، پژوهش با تکیه بر روش کیفی از نوع تبیین علی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و منابع اینترنتی، در پی پاسخگویی به این پرسش اصلی است که علت فعال شدن مجدد شکاف قومی ترک-کرد پس از یک دهه سیاست آشتی و کاهش حمایت کردها از حزب عدالت و توسعه در انتخابات ۲۰۱۵ چه بوده است؟ فرضیه مورد آزمون پژوهش این است که به‌نظر می‌رسد ناتوانی دولت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه در پیگیری و تامین کامل مطالبات اقلیت کرد پس از مذاکرات آشتی ملی و عدم دستیابی کردها بر مطالبات اصلی‌شان از یک سو، و گرایش کردها به همبستگی فرامرزی با کردهای سوریه و عراق پس از تحولات اخیر خاورمیانه از سوی دیگر، باعث خصمانه شدن مواضع طرفین و فعال شدن شکاف ترک-کرد در انتخابات اخیر شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بخشی از سیاست‌های حزب عدالت و توسعه در حوزه رتوریک باقی ماند و در عمل کمتر توانست اهداف حزب را تامین نماید؛ از این رو، ناتوانی حزب در پیگیری و تامین مطالبات کردها، باعث فعال شدن شکاف ترک-کرد در انتخابات اخیر شده است.

واژه‌های کلیدی: ترکیه، حزب عدالت و توسعه، اقلیت کرد، سیاست آشتی ملی، سیاست سرکوب

۱. کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور قزوین، قزوین، ایران

۲. (نویسنده مسئول)، دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران alireza.samiee.esf@gmail.com

۱. مقدمه

نتیجه انتخابات پارلمانی نوامبر ۲۰۰۲ که در آن حزب اسلام‌گرای عدالت و توسعه به رهبری رجب طیب اردوغان^۱ و عبدالله گل^۲، با کسب آراء لازم توانست در یک نظام سیاسی سکولار به‌تنهایی دولت تشکیل دهد، از یک طرف آینده ترکیه را با پدیده مهمی روبه‌رو نمود و از طرفی دیگر، سیر تاریخی اسلام‌گرایان این کشور را وارد مرحله نوینی کرد. این حزب سیاست‌های سنجیده و روشمندی را برای بهبود اوضاع داخلی کشور در دستورکار خود قرار داد؛ به‌طوری که در پرتو اجرای آنها تحولات مثبت و بنیادینی در ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی این کشور به وجود آمد. رسیدگی نسبی به مسأله کردها بیش از سی دهه جنگ و خونریزی و توجه به مطالبات آنها و آزادی بیش‌تر کردها برای رسیدن به حقوق خود، از بارزترین مصادیق این اقدامات بود. گامی را که این حزب در فرایند احقاق حقوق کردها؛ به‌ویژه در مذاکره با پ.ک.ک^۳ به منظور آشتی ملی با کردها برداشت، می‌توان نقطه عطفی در تاریخ ترکیه خواند. بی‌گمان سران حزب عدالت به‌منظور استقرار امنیت سیاسی و اجتماعی ترکیه و با توجه به تأکیدی که بر اعلامیه جهانی حقوق بشر و موافقتنامه اروپایی این اعلامیه و آزادی‌های اساسی داشتند، مسأله شکاف بین اقلیت کرد با جامعه ترکیه را مورد توجه قرار دادند.

سیاست‌های میانه‌رو و اعتدال‌گرایانه اردوغان توانست علی‌رغم مواجهه با مخالفت‌های احزاب رقیب چون سکولارها و ناسیونالیسم‌ها، گامی بلند در سیاست‌های آشتی ملی بردارد؛ به‌طوری که نمی‌توان پیشرفت‌های نسبی موجود در حل مسأله کردها را انکار کرد. بنابراین، با توجه به رویه و مواضع نسبتاً اصلاح‌گرایانه اردوغان، این پرسش پیش می‌آید که چرا این مناسبات پس از یک دهه آرامش نسبی، به تیرگی و کشمکش بدل

1. Recep teyeb Erdoğan
2. Abdullah Gül
3. Kurdistan Workers' Party

تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها از آشتی ملی ... / ۹۳

شد؟ و به عبارت دقیق‌تر، علت فعال شدن مجدد شکاف قومی ترک - کرد پس از یک دهه سیاست آشتی ملی و کاهش حمایت کردها از حزب عدالت و توسعه در انتخابات ۲۰۱۵ چه بوده است؟ فرضیه مورد آزمون پژوهش این است که: به نظر می‌رسد ناتوانی دولت ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه در پیگیری و تامین کامل مطالبات اقلیت کرد پس از مذاکرات آشتی ملی و عدم دستیابی کردها بر مطالبات اصلی‌شان از یک سو، و گرایش کردها به همبستگی فرامرزی با کردهای سوریه و عراق پس از تحولات اخیر خاورمیانه از سوی دیگر، باعث خصمانه شدن مواضع طرفین و فعال شدن شکاف ترک-کرد در انتخابات اخیر شده است.

۲. ادبیات پژوهش

اگرچه درخصوص حزب عدالت و توسعه پژوهش‌هایی بسیاری انجام گرفته؛ با وجود این، هیچ پژوهشی به بررسی سیر تحول رویکردهای متعارض آشتی‌جویانه و خصمانه این حزب در قبال کردها نپرداخته است. در زیر به برخی از آثار لاتین که از لحاظ موضوعی تا حدودی به پژوهش حاضر نزدیک است، اشاره می‌شود.

عمر تاش پینار و گونول تول (۲۰۱۴)، در مقاله‌ای با عنوان «ترکیه و کردها: از پیامدهای منفی تا دستاوردهای مثبت» به جریان مذاکرات ترکیه با «عبداله اوجالان»^۱ پرداخته، می‌نویسند: مذاکرات بین آنکارا و حزب کارگران کرد، نقطه عطفی در تاریخ ترکیه است؛ زیرا برای نخستین بار، مذاکرات جای جنگ را گرفته است. از نظر این دو تحلیلگر، ترکیه به رهبری حزب عدالت و توسعه کوشش می‌کند تا از طریق مذاکرات، «پ. ک. ک.» را متقاعد به خلع سلاح و ترک خاک ترکیه نماید؛ اما تحولات منطقه‌ای چون «بهار عربی» در سال ۲۰۱۱ م. به «بیداری کردی» در منطقه منجر شد که این جریان تبعات داخلی و

1. Abdullah Öcalan

منطقه‌ای برای ترکیه به بار آورد. در بعد داخلی، افزایش درگیری بین «پ.ک.ک» با دولت مرکزی ترکیه و از بعد منطقه‌ای احتمال ظهور کردستان مستقل در سوریه و تاثیر آن بر کردهای ترکیه؛ از جمله این تبعات بود که روند صلح را برهم زده و باعث شکسته شدن صلح گردید.

دفته گون آی (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای با عنوان «اروپایی سازی ظرفیت‌های دولت و سیاست خارجی: ترکیه در خاورمیانه» می‌نویسد: در مقایسه با دیگر کشورها، روند گسترش روابط ترکیه با اتحادیه اروپا، منحصر به فرد بودن این کشور را از بسیاری جهات اثبات می‌کند. نویسندگان می‌کنند که با اینکه مهم‌ترین مسأله این کشور در سیاست‌های داخلی و خارجی معاصر خود، پیوستن به اتحادیه اروپا بوده است و به‌رغم دادن امتیازات پیاپی ترکیه به اتحادیه اروپا، به‌نظر می‌رسد، چشم‌انداز الحاق به اتحادیه مزبور افق روشنی ندارد. اوزلم کایاهان (۲۰۱۴)؛ نیز در مقاله‌ای با عنوان «شکاف‌های کردهای ترکیه: دستاوردهای دیرپای مورد انتظار و امیدهای شکست‌خورده» مسأله کردی را یکی از مهم‌ترین مشکلات ترکیه می‌داند که از زمان تاسیس جمهوری ترکیه، دولت‌های مرکزی این کشور با آن روبه‌رو بوده و همواره سعی بر حل و فصل آن از طریق نظامی داشته‌اند. پس از آمدن حزب عدالت و توسعه، فصل تازه‌ای در دفتر روابط کردها با آنکارا گشوده شد. این حزب کوشید تا به شیوه دموکراتیک با این مسأله برخورد نماید. به عقیده این تحلیلگر اردوغان با هدف امنیت‌زدایی از مسأله کردها در سال ۲۰۰۹ م فرایند گشایش دموکراتیک را آغاز نمود؛ فرایندی که می‌خواست از طریق ابزار دموکراتیک و مدنی به خشونت خاتمه دهد؛ اما حمله نظامی «پ.ک.ک» در ۲۰۱۱ م به ترکیه و موضع تند این کشور نسبت به آن، این روند را با مشکلات زیادی روبه‌رو کرد. بنابراین، اردوغان با تغییر سیاست خود، نسبت به کردها، گفتمان سختگیری را تقویت کرد و این امر موجب شکاف هرچه بیش‌تر ترک - کرد شده است.

۳. مبانی نظری پژوهش

کشور ترکیه به‌رغم کوشش برای تامین معیارهای اتحادیه اروپا برای پیوستن به کشورهای اروپایی، همچنان مسیر دشواری را پیش روی خود دارد. این کشور نیز همانند بسیاری از کشورهای خاورمیانه، جامعه‌ای پرشکاف است که از محیط اجتماعی پرتنش داخلی و منطقه‌ای و تبعات امنیتی این پیرامون اجتماعی آشفته رنج می‌برد. از این رو، فهم دقیق رابطه دولت ترکیه با اقلیت کرد این کشور نیز بدون توجه کافی به محیط امنیتی داخلی و خارجی و تهدیدهای ناشی از آن بر انسجام و همگونی این کشور امکان‌پذیر نیست. بنابراین، با توجه به مشکلات و معضلات درهم تنیده کشور ترکیه، لاجرم باید مبحث شکاف‌های اجتماعی را از منظر نگرانی «امنیت ملی»^۱ یا به تعبیر دقیق‌تر «امنیت حکومت»^۲ بررسی و ارزیابی نمود.

باری بوزان، تحلیلگر برجسته مکتب امنیتی کپنهاگ، در کتاب مشهور خود تحت عنوان مردم، دولت‌ها و هراس (۱۹۸۳) در نظریه امنیت ملی خود بر دو مفهوم تاکید می‌کند: نخست؛ میزان انسجام سیاسی و دوم؛ نوع محیط‌های امنیتی. وی در بحث میزان انسجام سیاسی، تاکید خود را بر مشروعیت یا عدم مشروعیت هیأت حاکمه در میان مردم آن کشور قرار می‌دهد و بر این اساس، حکومت‌ها را به دو گروه قوی و ضعیف تقسیم می‌کند. در بحث محیط امنیتی نیز، به ثبات یا بی‌ثباتی در محیط امنیتی کشورها اشاره می‌کند. بوزان معتقد است کشورهای غربی و کشورهای جهان سوم در این دو مقوله با یکدیگر متفاوتند؛ زیرا بسیاری از کشورهای جهان سوم هیأت حاکمه شکننده‌ای دارند که از مشروعیت پایینی برخوردارند و این امر باعث متزلزل شدن پایه‌های حکومت آنها می‌شود. او برای کشورهای جهان سوم مفهوم «امنیت حکومت» را در مقابل امنیت ملی به

1. National security
2. Government security

کار می‌برد؛ چرا که امنیت حکومت به امنیت رژیم حاکمه برمی‌گردد؛ ولی درباره حکومت‌های قدرتمند غربی، مفهوم امنیت ملی عمده‌تاً برای حفظ استقلال، هویت سیاسی و شیوه زندگی‌شان در برابر تهدیدهایی که از سوی دیگر کشورها متوجه آنهاست به‌کار می‌رود؛ نه در برابر تهدیدهای داخلی (بوزان، آزر و این مون، ۱۳۷۹: ۸۱). بوزان ترکیه را در دسته «کشورهای ضعیف» معمولی مانند پاکستان، سوریه، بولیوی، فیلیپین و زئیر قرار می‌دهد. وی ویژگی اصلی این کشورها را «نگرانی شدید از تهدیدهای داخلی نسبت به امنیت حکومت می‌داند.» به اعتقاد وی، چون این دولت‌ها هنوز در مراحل اولیه کوشش برای تحکیم خود به‌عنوان دولت-ملت هستند، خشونت داخلی گسترده‌تر است. در چنین شرایطی، خشونت به‌منزله جمع شدن قدرت در دست حکومت مرکزی و نشانه بیماری سیاسی است (Buzan, 1983:65-68).

اما یکی از جامع‌ترین پژوهش‌هایی که تاکنون درخصوص امنیت در جهان سوم ارائه شده است، اثر کارل جی مارتین^۱ با عنوان «رهیافتی جامع برای مطالعه امنیت ملی در خاورمیانه» است. نویسنده، ضمن بیان دلایل ناکارآمدی نظریه‌های کلاسیک امنیت (واقع‌گرایی و لیبرالی) برای جوامع جهان سوم و به‌خصوص خاورمیانه، پنج مؤلفه نظریه جدید امنیت در جهان سوم ارائه می‌کند. وی بر آن است که از ترکیب این پنج مؤلفه می‌توان به دیدگاهی جامع درخصوص امنیت در جهان سوم دست یافت. این پنج مؤلفه عبارتند از: امکانات نظامی، مشروعیت، توانمندی اقتصادی، مدارا و همزیستی قومی - مذهبی و دسترسی به مواد خام حیاتی (جی مارتین، ۱۳۸۹: ۳۷-۳۸). به اعتقاد مارتین، این ره یافت سوم می‌تواند معضل امنیت در جهان سوم را به‌خوبی تبیین کند. به نظر وی، ره یافت سوم ویژگی‌های کشورهای جهان سوم مانند اقتصاد توسعه‌نیافته، فقدان منافع بی‌ثباتی رژیم‌های سیاسی و ساخت اجتماعی شکننده، عواملی هستند که در امنیت ملی

نقش مهمی ایفا می‌کنند و اغلب تهدیدها بر ضد چنین دولت‌های آسیب‌پذیری نه تنها از منابع خارجی؛ بلکه از منابع داخلی و فراملی برمی‌خیزد (همان: ۳۸). بنابراین، تاکید اصلی مارتین در نظریه‌اش، ترکیب بعد غیرنظامی با نظریه امنیت است که به‌ویژه در جهان سوم این بعد بسیار مشهود است. بر همین اساس، وی بر ترکیبی از عوامل شامل امکانات نظامی، مشروعیت، توانمندی اقتصادی، مدارا و همزیستی قومی - مذهبی و دسترسی به مواد خام حیاتی در نظریه امنیت در جهان سوم تاکید دارد.

بدین ترتیب، این نظریه‌پردازان بر معضلات امنیتی که عمدتاً منشاء داخلی دارد، مانند ضعف انسجام سیاسی، شکنندگی هیأت حاکمه و مشروعیت پایین آن، نگرانی شدید از تهدیدهای داخلی نسبت به امنیت حکومت، وفاداری سیاسی مردم به گروه‌های طایفه‌ای قومی، سیاسی، یا مذهبی تا به دولت مرکزی، آسیب‌پذیری نسبت به منابع تهدید داخلی، فراملی و قدرت‌های خارجی که امکاناتی در اختیار فرقه‌های خاص درون حوزه سیاسی آنها می‌گذارند، و به‌طورکلی بر بعد نرم افزاری امنیت به‌عنوان شاخص‌های عمده‌تاثیرگذار بر تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های کلان و نیز راهبردهای مدیریتی دولت‌های این جوامع، تاکید می‌ورزند. ترکیه نیز همان‌گونه که بوزان اشاره می‌کند، به‌مثابه یک کشور درحال‌گذار، از این قاعده مستثنا نیست و با مشکلات امنیتی داخلی و خارجی خاص خود روبه‌روست که سیاست‌ها و رویکرد دولت این کشور را در برخورد با تهدیدهای امنیتی داخلی؛ به‌ویژه در رابطه با کردها که همبستگی‌های فرامرزی آنها در قالب طرح «کردستان بزرگ» و نیز پس از تحولات اخیر خاورمیانه؛ از جمله پیدایی داعش و استقلال اقلیم کردستان عراق و ... تقویت شده است، تحت تأثیر قرار می‌دهد.

در ادامه، کوشش می‌شود بر پایه این چارچوب نظری، چگونگی فعال شدن مجدد شکاف ترک-کرد و اتخاذ رویکردهای متفاوت از سوی دولت اردوغان در قبال کردهای این کشور بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ تبیین گردد.

۵- رویکردهای حزب عدالت و توسعه در قبال کردها

۱-۵. سیاست آشتی ملی

بی‌گمان، یکی از مهم‌ترین مسائلی که از آن به‌عنوان بزرگ‌ترین مسأله امنیت داخلی ترکیه یاد می‌کنند، مسأله کردهاست. کردهای ترکیه همواره در تقابل با دولت‌های تشکیل یافته در آنکارا بودند و مسائلی چون انکار هویت کردی توسط قانون اساسی ترکیه و عدم توسعه مناطق کردنشین این کشور، همواره مانع بزرگی در تعامل میان کردها و دولت ترکیه ایجاد کرده است. اما پیروزی حزب عدالت و توسعه را باید تحول جدیدی در سیاست داخلی ترکیه بدانیم؛ زیرا این حزب با زبان نرم سیاسی و تأکید بر حقوق فرهنگی کردها و انعطاف با «پ.ک.ک» فعالیت‌های نسبتاً اصلاحی را آغاز نمود. در طی این اصلاحات؛ اردوغان برای از میان برداشتن شکاف‌های اقتصادی و توسعه ناموزون ترکیه در میان بخش‌های غربی و شرقی، نخست امکانات رفاهی و آموزشی لازم را برای مناطق کردنشین فراهم کرد. دومین اقدام او، ایجاد تغییراتی در سطوح سیاسی بود. پیرو این مسأله، گفتمان‌های تبعیض‌آمیزی که تهدیدی بر امنیت داخلی ترکیه محسوب می‌شد، محل بازبینی قرار گرفته شد و مواردی چون سیاست همگون‌سازی اجباری و نادیده گرفتن هویت کردی مورد تجدید نظر قرار گرفت. گام بعدی اردوغان، چهارچوب فرهنگی را مورد توجه قرار می‌داد. پژوهشگران در میان اصلاحات فرهنگی یاد شده بیش‌تر مسائلی چون: «تاسیس شبکه کرد زبان از سوی دولت و امکان یادگیری زبان کردی به‌عنوان یک زبان انتخابی در مدارس عمومی» (Polat, 2008: 81) را مدنظر قرار داده‌اند. بی‌گمان انجام چنین اصلاحاتی که مطالبه چندین ساله کردهای ترکیه بود، می‌توانست در حرکت حزب عدالت و توسعه به سمت تعامل و رسیدن به نقطه صلح مؤثر واقع گردد.

اردوغان برای رسیدن به چنین هدفی، سیاست جایگزین کردن مفهوم «شهروندی» به جای «هویت ترکی» را به کار بست و شعار آتاتورک با عنوان «چه خوشبخت است آن کس که گوید من ترک هستم» را از میادین اصلی شهرهای کردنشین برچید تا نشان دهد که به

دنبال خلع سلاح حزب کارگران ترکیه موسوم به «پ.ک.ک.» و ادامه همراهی مردم این نواحی با حزب عدالت است؛ به طوری که به رغم عملیات نظامی «پ.ک.ک.» در مناطق کردنشین، سران دولت میلیون‌ها دلار در زمینه کشاورزی، حمل و نقل و پروژه‌های زیربنایی و آموزشی این نواحی سرمایه‌گذاری کردند؛ اما روند سیاست‌های اصلاحی اردوغان هرچقدر که مورد پذیرش احزاب کردی بود، بیش‌تر از آن، خشم و نارضایتی‌های ناسیونالیست‌ها و سکولارهای این کشور را هویدا کرد و بر شکاف‌های سیاسی میان سکولارها و ناسیونالیست‌ها از یک سو و حزب عدالت و توسعه از سوی دیگر افزود.

مناسبات ترکیه با اتحادیه اروپا، مؤلفه دیگری است که در تبیین چرایی رفتار صلح‌آمیز حزب عدالت و توسعه در قبال کردها مورد توجه قرار می‌گیرد. در سال‌های منتهی به ۲۰۰۴-۲۰۰۳ ترکیه در سایه همگرایی با اروپا پنج طرح قانونی را در مجلس تصویب کرد که هدف از آنها حذف هرگونه شکنجه، گسترش آزادی بیان، امکان پخش برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی به زبان محلی و همچنین، آزادی در انتخاب اسامی کردی برای کودکان بود. می‌توان گفت که ترکیه در این مقطع زمانی قاطعیت فراوانی را در تسریع گام‌های اصلاحی نشان داد و تغییرات دامنه‌داری را در سیستم سیاسی و حقوقی خود پدید آورد. همچنین، با طرح اصلاحات اقتصادی در سال ۲۰۰۴ و همراهی با اقتصاد جهانی، توانست در مدت پنج سال به تقویت اقتصاد خود پردازد و رضایت عمومی را جلب نماید. در کنار این تحولات بنیادین، اردوغان در عرصه داخلی به اصلاحات و ابتکار عمل‌هایی چون «رعایت حقوق بشر و حق شهروندی، لغو مجازات اعدام، تاکید بر رعایت حقوق اقلیت‌های قومی، گسترش آزادی بیان و لغو حالت فوق‌العاده موسوم به «OHAL» در مناطق کردنشین ترکیه» (Bahcheli & Noel, 2011:112) دست زد و در نتیجه، در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۷ ترکیه، برای نخستین بار شاهد حضور ۲۴ نماینده مستقل از سوی کردها و با هویت کردی هستیم. همین واقعه سیاسی از ارتقای اجتماعی و اقتصادی کردها در جامعه

ترکیه خبر می‌داد. به نظر می‌رسد مواردی، چون: «انحلال دادگاه‌های امنیت دولتی، بهبود وضعیت آزادسازی رسانه‌ها و پذیرش حق برخورداری کردها از برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی» از جمله اصلاحاتی هستند که دولت اردوغان سعی دارد به‌خاطر نزدیکی به اتحادیه اروپا انجام دهد. در واقع، حل مسأله کردها و رعایت حقوق اقلیت‌ها می‌تواند مشکل حقوق بشری را که ترکیه در روابط بین‌الملل خود با آن روبه‌روست، برطرف سازد و به درخواست عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا تحرک جدیدی ببخشد.

فرایند همگرایی ترکیه با اتحادیه اروپا، پیشرفت لازم را در زمینه دموکراتیزاسیون^۱؛ به‌خصوص در زمینه وضع حقوق بشر در ترکیه و مسأله کردها فراهم کرد (قهرمان‌پور، ۱۳۸۳: ۱۶). پیرو این مسأله، اردوغان پس از پیروزی در انتخابات ۲۰۰۷ در دوره دوم سیاست‌های خود، اصلاحاتی در رابطه با زبان کردی و آموزش آن به‌عنوان دومین زبان رسمی کشور و شناسایی هویت و فرهنگ کردی را پیش برد و در تابستان ۲۰۰۹ حزب عدالت، فرایندی را با عنوان «گشایش دموکراتیک»^۲ آغاز کرد. فرایند اصلاحی جدید، اهدافی چون: عادی‌سازی و امنیت‌زدایی از مسأله کردها و فراهم سازی راه‌حلی با ابزارهای دموکراتیک و مدنی برای صلح را دنبال می‌کرد. این بسته شامل استفاده از زبان کردی برای کمپین‌های انتخاباتی و آموزش در مدارس خصوصی، قانونی‌سازی تبلیغات سیاسی در زبان‌های غیرترکی «مثل کردی»، لغو ممنوعیت استفاده از نام‌های کردی سابق برای سکونتگاه‌های پیش‌تر «ترکی شده» و مباحثی از این قبیل بود؛ اما «دمیرتاش»^۳ رهبر حزب کردی «دموکرات خلق‌ها» در تحلیل بسته دموکراتیزاسیون با مطرح کردن عنوان «چیز جدیدی نبود» آن را صورت‌بندی نوینی از آنچه پیش‌تر از طریق مبارزات سیاسی در خیابان‌ها به دست آمده بود، معرفی کرد. شکی نیست که مباحث موجود بر سر «دموکراتیزاسیون» در این برنامه، باعث رهایی ترکیه

1. Democratization
2. Demokratik açılım
3. Demirtaş

تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها از آشتی ملی ... / ۱۰۱

از چالش‌ها و تنش‌های قومی یا حداقل کاهش آن می‌شد؛ اما اگر نظر دمیرتاش را بپذیریم، می‌توان گفت که دموکراتیزاسیون نمی‌توانست از قدرت کافی در حل مسأله کردها برخوردار باشد؛ زیرا چنین برنامه‌هایی اگرچه در مقطع مورد نظر پاسخگو بودند؛ اما نمی‌توانستند مسأله کردها را به شکل ریشه‌ای حل کنند؛ به‌خصوص اینکه حوادث منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای این سال‌ها حزب عدالت را بیش‌تر به سمت تقابل با کردها کشانده است.

آغاز بحران‌های منطقه‌ای خاورمیانه چون «بهار عربی» و سرنگونی دیکتاتورهای جهان عرب در سال ۲۰۱۱، فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی برای آنکارا فراهم نمود و ترکیه را به سوی ایفای نقش رهبری در تحولات منطقه‌ای سوق داد؛ به‌طوری که خود را نمونه‌ای از «دموکراسی اسلامی» معرفی نمود. با این حال، محیط بی‌ثبات و ناامن پیرامون ترکیه؛ از جمله پیدایش جریان‌های افراطی سلفی در عراق و سوریه، نگرانی دولت اردوغان از انتقال این بحران‌ها به درون مرزهای ترکیه را چند برابر کرده است؛ زیرا شکنندگی ساختار اجتماعی، ضعف انسجام سیاسی و نارضایتی‌های موجود داخلی، می‌تواند فضای مناسب برای رشد جریان‌های سلفی را فراهم آورد. امری که از نظر سیاستمداران آنکارا دور نموده است و باعث شد که روابط دولت با اقلیت کرد، وضعیتی امنیتی به خود بگیرد. این امر به‌نوبه خود بر روند صلح و سیاست‌های آشتی‌گرایانه اردوغان تاثیر گذاشته و باعث فعال شدن مجدد شکاف ترک - کرد شده است.

۲-۵- سیاست سرکوب (تهدیدهای داخلی و آسیب‌پذیری خارجی)

رویکرد امنیتی یا سیاست سرکوب، وجه دیگری از رفتار سیاسی و نظامی حزب عدالت به رهبری اردوغان در برابر کردهای این کشور است؛ مؤلفه‌ای که به نوبه خود توانست بسیاری از برنامه‌های دیپلماتیک حزب را در قبال حل مسأله کردها زیر سؤال ببرد. این رویکرد -چنانکه در مبحث نظری نیز اشاره شد- عمدتاً به نگرانی شدید از تهدیدات داخلی نسبت به امنیت حکومت بازمی‌گردد. این نگرانی در حوادث سال ۲۰۰۷ ریشه دارد.

پس از حملات گسترده «پ.ک.ک» در سال ۲۰۰۷ دولت اردوغان قانونی را تصویب نمود که به موجب آن نیروهای مسلح ترکیه را قادر به انجام عملیات مسلحانه در شمال عراق علیه کردهای مسلح حاضر در گروه «پ.ک.ک»، به منظور جلوگیری از اقدامات تروریستی آنان می‌کرد. براساس این مصوبه، پلیس ترکیه اجازه استفاده از سلاح‌های گرم در مقابله با تظاهرات و تجمعات را به دست آورد و اختیارات بسیار گسترده‌ای به فرمانداری‌ها و مراکز پلیس به منظور سرکوب همه تجمعات داده شد. آشکار است که تصویب چنین سیاستی در درجه اول، مناطق کردنشین ترکیه را به واکنش و بیزاری در برابر سیاست‌های سرکوب دولت اردوغان می‌کشاند؛ به طوری که طی این سال‌ها بیش‌ترین گزارش‌ها از تظاهرات و تجمعات علیه اردوغان و سیاست‌های حزبش از این نواحی بوده است.

مؤلفه دیگری که در اتخاذ سیاست‌های چندگانه اردوغان بی‌تأثیر نبوده است، جلب آرای ناسیونالیست‌ها در انتخابات ۲۰۱۱ بود. طی سال‌هایی که اردوغان سیاست دولت خود را در مسیر حل دیپلماتیک مسأله کردها پیش برد و طی آن این قومیت از آزادی‌های چندی برخوردار شدند، شکاف بین این حزب و ناسیونالیست‌های ترکیه را بیش‌تر کرده بود؛ امری که می‌توانست تزلزلی در پایه‌های قدرت و مشروعیت اردوغان و حزب وی باشد. شکی نیست که اردوغان در مقام رهبر حزب در کنار ملاحظات دیگری که داشت، به‌منظور جلب آرای ناسیونالیست‌ها در انتخابات ۲۰۱۱ مواضع تندی علیه «پ.ک.ک» و مسأله کردها اتخاذ کرده است. البته، همزمان با اتخاذ چنین راهبردی، وعده تغییرات قانونی به نفع قومیت‌های مختلف و درنظر گرفتن حقوق آنان را داد (Ihsandogr, 2011:114). آنچه در بیان چرایی سیاست‌های دوگانه اردوغان در موضع کردهای این کشور به ذهن می‌رسد، بیش‌تر بر استفاده از قدرت هوشمند «ترکیبی از قدرت نرم - سخت» مبتنی است؛ زیرا از یک سو به تقابل و ادامه مبارزه مسلحانه با «پ.ک.ک» می‌پردازد و از سوی دیگر، با اعطای برخی

تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها از آشنی ملی ... / ۱۰۳

آزادی‌های سیاسی و اجتماعی به کردهای این کشور، به دنبال پایان دادن به طولانی‌ترین بحران خاورمیانه است.

در سال‌های منتهی به ۲۰۱۴-۲۰۱۳ حوادث پیش‌بینی ناپذیر دیگر، نشان می‌داد آنکارا همچنان در روابط خود با کردها، سیاست سرکوب را حفظ کرده است. وقایعی چون «اعتراضات پارک گزی» (Baykal, 2013: 5) به علت مخالفت با تخریب این پارک در میدان تقسیم استانبول و تظاهرات صورت گرفته برای حمایت از مقاومت کوبانی در مقابل داعش در فاصله زمانی کوتاه مدت از یکدیگر، فضای سیاسی و اجتماعی ترکیه را لرزاند. خشونت دولت اردوغان در سرکوب این دو تظاهرات و کشته شدن صدها نفر و حملات خونین به میتینگ‌های انتخاباتی و تخریب اموال حزب دموکراتیک خلق‌ها، از یک طرف و کشته شدن عده‌ای از شهروندان کرد بر اثر درگیری میان طرفداران حزب «مطالبه آزاد» و طرفداران «پ.ک.ک.» در «شهر جزیره» از مناطق استان شرناخ و عدم عملکرد مثبت پلیس در این مساله و فشار بر «اپوزیسیون کرد» از طرف دیگر، همچنین، انحلال حزب «جامعه دموکراتیک» به وسیله دادگاه قانون اساسی، دستگیری عده زیادی از طرفداران حزب «صلح و دموکراسی» در سال ۲۰۰۹، به جرم شرکت در عملیات‌های «اتحادیه جوامع کردستان» که تشکلی وابسته به «پ.ک.ک.» است و محاکمه آنها، سبب شد تا حسن نیت حزب «عدالت و توسعه» را به عنوان مقام حکومتی کشور و تأمین‌کننده امنیت انتخابات و احزاب سیاسی شرکت‌کننده در آن زیر سؤال ببرد و مردم کرد ترکیه را با این مسأله مواجه نماید که حزب عدالت و توسعه از عهده اداره مناطق کردنشین این کشور برنخواهد آمد. البته، این پایان کار نبود؛ سه سخنرانی معروف اردوغان بیش از هر حادثه دیگری در فاصله گرفتن کردهای ترکیه از حزب و شخص اردوغان تاثیر گذاشت. تاکید اردوغان به مسائلی چون: «کوبانی در حال سقوط است»، «در ترکیه مسأله کردها وجود ندارد» و «با تروریست‌ها بر سر یک میز مذاکره نخواهیم نشست» آشکارا تغییر مواضع حزب در برابر کردها را اعلام کرد. این

سه سخنرانی حساس اردوغان در برهه‌های زمانی مختلف، نتایج وخیمی برای حزب داشت؛ زیرا این اظهارات تظاهرات کوبانی و قهر جامعه کردهای این کشور را با حزب «عدالت و توسعه» به ارمغان آورد. بدین ترتیب، روند مذاکرات صلح با «پ.ک.ک» که در زمینه امنیت داخلی و فراملی این کشور امری مهم تلقی می‌شود، با شکست مواجه گردید.

گفتمان حزب عدالت و توسعه بر دموکراسی محافظه‌کار و گرایش‌های نوعثمانیستی استوار است که نشان‌دهنده ترک‌گرایی و اسلام‌گرایی سنی معتدل است. بنابراین، از دید ایدئولوژیک نگاه اعضای حزب عدالت به مسأله کرد، متناقض، ابتدایی و توأم با چالش‌های خاص خود بوده است. درحالی که اسلام‌گرایان ترک بر رسمی بودن زبان ترکی و تمامیت یکپارچه دولت ترکیه پافشاری می‌کنند، اسلام‌گرایان کرد، خواهان به رسمیت شناخته شدن هویت کردی و امتیاز سیاسی چون خودمختاری هستند. بی‌گمان، وجود این دو ایدئولوژی متفاوت در مسأله کردها می‌تواند هرگونه تقابل و تضاد میان کردها و حزب عدالت را ممکن سازد. نگاه رهبران حزب عدالت و توسعه در چارچوب تعدیل ملی‌گرایی کردی است. سران حزب عدالت همواره نسبت به کردها و ناسیونالیسم کردی با نیروهای سیاسی حامی آن رفتار دوگانه نشان داده‌اند. در برخی مواقع، اردوغان با نقد کمالیسم، بر هویت مشترک اسلامی کردها و ترک‌ها تاکید دارد و در مواقع دیگر، هویت ترکی در گفتار اردوغان به جایگاهی می‌رسد که با رویکرد رسمی کمالیستی به‌مثابه هویتی فراقومی و ملی فاصله‌ای ندارد و هرگونه بحث پیرامون به‌رسمیت شناختن زبان کردی، از دید وی به تجزیه ترکیه منجر می‌شود. درواقع، این نگاه ایدئولوژیک به مسأله کردها، در ناسیونالیسم ترکی و اسلام‌گرایی سنی ریشه دارد؛ نگاهی که حاضر به پذیرش اقلیت متمایزی به نام کردها نبوده است. بنابر آنچه گفته شد، اقدامات محدودی را که حزب عدالت در راستای تحقق حقوق فرهنگی و مطالبات احزاب سیاسی کرد، همچنین، مذاکرات صلح انجام داده است، باید با ملاحظات انتخاباتی حزب تفسیر نمود، ملاحظاتی که نشان می‌دهد حزب

تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها از آشتی ملی ... / ۱۰۵

عدالت به معنای واقعی دنبال پاسخ‌گویی مثبت به ناسیونالیسم کردی نیست و همین امر سبب شده است تا به تدریج، ناخرسندی جریان‌های سیاسی کرد؛ به خصوص «پ.ک.ک.» افزایش یابد.

«پ.ک.ک.» یا «پارتیا کریکارین کوردستان»^۱ را عبدالله اوجالان با شعار «استقلال کردستان» در سال ۱۹۸۷ با طرح نوعی از روایت مارکسیستی-لنینیستی تأسیس کرد. این حزب مبارزه با دولت ترکیه را حول محور مارکسیسم و قوم‌گرایی کردی سازمان داده، رهبری می‌کند و اصولاً مرزهای کنونی ترکیه را به رسمیت نمی‌شناسد و کردستان را کشوری مستقل و ترکیه را اشغالگر می‌داند. (Kalaycoglu, 2011:274, kayhan, 2014: 82). «پ.ک.ک.» مبارزه مسلحانه علیه ترکیه را از طریق عملیات تروریستی فراوان، هم در جنوب شرقی و هم در سایر مناطق ترکیه دنبال کرد؛ اما با بازداشت اوجالان در فوریه ۱۹۹۹ و آتش‌بس یک‌جانبه از طرف «پ.ک.ک.» در نتیجه امید برای حل مسأله کردها در ترکیه گشوده شد. سرانجام پس از حدود ۳۰ سال درگیری مسلحانه بین «پ.ک.ک.» و نیروهای لشکری و کشوری ترکیه از سال ۲۰۰۵ سازمان امنیت ترکیه با هدف خلع سلاح «پ.ک.ک.» و حل مسأله کردها، با اوجالان به مذاکره پرداخت. هرچند که طرفین مذاکره به توافقاتی چند درباره استفاده از نام کردی برای شهرهای جنوب شرقی ترکیه، تدریس زبان کردی در مدارس، اعطای عفو به شبه‌نظامیان «پ.ک.ک.» و بازنگری در مورد تعریف شهروندی موجود در قانون اساسی ترکیه رسیده‌اند؛ ولی در نهایت در این مذاکرات توفیقات چندانی حاصل نشده است؛ زیرا از یک سو حزب عدالت و توسعه گام مؤثری برای حل مسأله کردها برنداشته بود و از هرگونه توافق گسترده در مورد حل این مسأله که جایگاه دولت را تهدید کند و یا مانور قدرت دولت را کاهش دهد، پرهیز می‌کرد و از سوی دیگر، تصمیم‌گیران آگاه بودند که بدون حمایت احزاب مخالف حزب؛ به خصوص

1. PartiyaKarkerênKurdistanê

«حزب جمهوری خواه و حرکت ملی» از این مسأله حساس، نتیجه‌گیری بسیار سخت و دشوار خواهد بود.

بی‌شک، دو حزب «جمهوری خلق و حرکت ملی» که بر ناسیونالیسم ترکی تاکید اساسی دارند، می‌توانند مسیر مذاکرات را به نفع ایدئولوژی خود تغییر دهند و از طریق برانگیختن احساسات ملی‌گرایی در شهروندان ترکیه و القای جدایی نواحی کردنشین باعث ایجاد فضای دوقطبی و افزایش تنش در فضای سیاسی ترکیه شوند. از سوی دیگر، شاخه‌های مختلف «پ.ک.ک» همواره درباره چگونگی رویارویی با طرح صلح دولت اختلافات اساسی دارند که تصمیم‌گیری آنها را دشوار نموده است. لذا با توجه به مسائل یاد شده حزب عدالت به روند دیرینه نظامی با «پ.ک.ک» ادامه داد و پیرو این امر تا انتخابات مجلس ۲۰۱۱ پیشرفتی در حل مسأله کردها حاصل نشد.

از سال ۲۰۱۴ به بعد، دولت ترکیه سیاست جدیدی در قبال پ.ک.ک اتخاذ کرد و با حزب «صلح و دموکراسی» به عنوان شاخه سیاسی پ.ک.ک مذاکرات خود را آغاز نمود. طی این مذاکرات، دو طرف در زمینه توقف درگیری مسلحانه و خروج نیروهای مسلح پ.ک.ک از ترکیه به توافق رسیدند. به نظر می‌رسد این مذاکرات یک استراتژی با ریسک بالا و دارای منفعت فراوان برای حزب عدالت باشد و عملکرد دولت را در سیاست داخلی و خارجی؛ به ویژه در روابط آن با سوریه و عراق تقویت خواهد کرد. چنانچه ترکیه بتواند به‌طور موثر با پ.ک.ک در چهارچوب یک توافق‌نامه صلح کند، دیگر منطقی بر اساس «دشمن دشمن من، دوست من» است (Tashpinar & tol, 2014:2) شایع نخواهد بود. در «۲۱ مارس ۲۰۱۳» عبدالله اوجالان در اقدامی خواستار مذاکره با دولت ترکیه برای حل و فصل مسأله کردها شد. با قبول مذاکرات از سوی حزب عدالت، «جزیره ایمرالی»^۱ محل نگهداری اوجالان، به مرکز این مذاکرات تبدیل شد.

تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها از آشتی ملی ... / ۱۰۷

حاصل گفتگوهای دولت و عبدالله اوجالان طی چندین مرحله قابل توجه است: «مرحله اول این فرایند، آتش‌بسی بود که برقرار شد و پس از آتش‌بس، مذاکرات ادامه یافت. مرحله دوم شامل عقب‌نشینی نیروهای «پ.ک.ک» بود که از ۲۵ آوریل ۲۰۱۳ تحت نظارت «مراد کاریلان»^۱ به همراه سلاح و مخفیانه آغاز می‌شد. مرحله سوم این مذاکرات تغییرات قانون اساسی را در برمی‌گرفت. این تغییرات به مواد ۳، ۲، ۱ و ۴ و به‌خصوص ۴۲ و ۶۲ قانون معترض بود. مرحله چهارم نیز در ادامه مراحل قبلی به کنار گذاشتن سلاح از سوی «پ.ک.ک» و به عبارتی، به خلع سلاح این گروه اختصاص داشت. در مرحله آخر نیز بر بازگشت اعضای «پ.ک.ک» به خانه و شرکت در فرایند سیاسی تاکید می‌کرد» (Albayrak & Aldin, 2013:4-8). به‌نظر می‌رسد، «پ.ک.ک» به دنبال «آتش‌بس تحکیم شده» است؛ به این معنی که اردوغان و هم‌مسئولانش همواره به دنبال رسمی کردن آتش‌بس به‌عنوان بخشی از مذاکرات و پایان دادن به اقتدار اجتماعی «پ.ک.ک» در منطقه، مانع تراشی «پ.ک.ک» در حمل و نقل امن در منطقه و پایان بخشیدن به تخریب تاسیسات و فعالیت‌های اقتصادی در مناطق جنوب شرقی بوده‌اند.

در کنار اهداف فوق، تحولات منطقه‌ای نیز در پیگیری مذاکرات از سوی حزب عدالت و توسعه نقش آفرین بوده است. بارزترین این تحولات را می‌توان بحران سوریه دانست که تبعات ناشی از آن، چالش‌هایی را در امنیت داخلی ترکیه به بار آورد و در روند روابط دولتمردان ترک با کردها تأثیر گذاشت؛ زیرا سوریه به علت اختلافات خود با ترکیه، طی چندین دهه برخی از جنبش‌های سیاسی مخالف آنکارا؛ از جمله «پ.ک.ک» را مورد حمایت خود قرار داده و به طور متناوب از این گروه به‌عنوان اهرم فشار علیه دولت ترکیه استفاده کرده است. بی‌گمان، وجود چنین مسأله‌ای در تیرگی روابط ترکیه و سوریه مؤثر واقع شد؛ به طوری که ترکیه همواره تحولات سوریه را به دقت زیر نظر گرفته و برای اعمال

فشار و مجازات دمشق، از یک سو با اتحادیه عرب و از سوی دیگر، با کشورهای غربی همکاری نموده است. همچنین، در نوامبر ۲۰۱۱ ترکیه با قرار گرفتن در موضع تهاجمی و فعال، به یک بازیگر کلیدی در حمایت از مخالفان بشار اسد از طریق برپایی اردوگاه‌های پناهندگی در داخل مرزهای خود با سوریه و برگزاری نشست سران مخالف این دولت در استانبول، تبدیل شد.

درواقع، شکل‌گیری بهار عربی در غرب آسیا و شمال آفریقا، عدم حمایت کشورهای غربی از دولت سوریه، افزایش شورش‌های مسلحانه در سراسر این کشور و تداوم این بحران‌ها، فضایی را برای کردهای این کشور مهیا ساخته است که با وجود پراکندگی جمعیت، به سوی تشکیل اقلیمی خودمختار نظیر آنچه در شمال عراق است، حرکت کنند. روشن است که خودمختاری کردهای سوری همچون الگویی بلافاصله با واکنش کردهای ترکیه همراه می‌شد؛ به طوری که جریان «پ.ک.ک» به فعالیت‌های مسلحانه خود افزود و خسارت‌های زیادی را به ارتش ترکیه وارد ساخت. آنکارا می‌داند که پیوندهای قدیمی کردهای سوریه و ترکیه و نفوذ «پ.ک.ک» در میان کردهای سوریه و تشکیل «اقلیم خودمختار کردستان سوریه» همچون «اقلیم کردستان عراق» می‌تواند زنگ خطری برای دولت ترکیه باشد. بنابراین، ترکیه اقتدار کردها در نواحی شمالی سوریه را به هیچ وجه تحمل نمی‌کند؛ لذا از همان آغاز بحران سوریه، «داعش و حزب اتحاد دموکراتیک» را به یک اندازه تروریستی خواند؛ اما در جهت تضعیف «حزب دموکراتیک» از مقابله با داعش پرهیز کرد و به حمایت از این گروه تروریستی پرداخت. ترکیه حتی اگر این امر را رد کند؛ ولی زمانی که از حمایت جامعه بین‌الملل در رابطه با شهر کوبانی در برابر حملات داعش ممانعت نمود، سیاست حمایتی خود از داعش را نشان داد؛ امری که پژوهشگرانی چون «مریوس» نیز به آن معترف هستند» (Marus & Aliza, 2012: 52-53).

تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها از آشتی ملی ... / ۱۰۹

دغدغه دیگر ترکیه، نگرانی از تلاش کردهای سوریه برای تسلط بر مناطقی از عین‌العرب تا عفرین است (Mahfadh, 2012: 28-29). بی‌گمان دستیابی کردها به این جغرافیای استراتژیک می‌تواند موجبات قطع کامل ارتباط ترک‌ها با فضای عربی را فراهم کند؛ امری که برنامه‌ریزان دولت ترکیه خود به‌خوبی برآن واقفند و به همین علت، تسلط کردها بر مناطق مجاور اسکندرون تا سواحل دریای مدیترانه، عاملی برای نگرانی ترکیه بوده و خواهد بود. ترکیه برای جلوگیری از تحقق این مسأله سعی کرد با ورود به منطقه ممتد از طرابلس تا مرزهای عفرین و ایجاد کمربند امنیتی برای جلوگیری از تسلط کردها بر این منطقه، بر نگرانی‌های خود خاتمه دهد. به‌نظر می‌رسد دولت ترکیه با آگاهی از ارتقای ژئوپلیتیک کردها، رویکرد سلبی نظریه‌های امنیت را درپیش گرفته است و سران آن با حذف کلمه «تهدید» از حوزه ادبیات سیاسی خود و درنظر گرفتن بایسته‌های نظری به پای میز مذاکره نشسته‌اند. در کنار این عوامل ذکر شده، می‌توان به موارد چندی نیز اشاره کرد که هر کدام به تنهایی می‌توانست سران حزب را برای مذاکره با کردها مجاب کند.

مهم‌ترین شعارهای انتخاباتی حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، حل معضل کردها بود. سیاستمداران حزب عدالت پس از قدرت‌یابی در سامان سیاسی ترکیه، اقدامات اولیه در همین راستا را در دستورکار خود قرار دادند. هرچند این فعالیت‌های صلح‌آمیز با فشار لابی ارتش ترکیه و احزاب لائیک و ملی‌گرا و همچنین، قدرت نوبنیاد حزب عدالت و توسعه در آن مقطع سودی نبخشید؛ ولی شعار انتخاباتی ترکیه امری است که همواره حزب عدالت را متوجه مطالبات کردها می‌کند. انتخابات ۲۰۱۵ ترکیه نیز بر تداوم سیاست‌های صلح‌آمیز حزب عدالت و توسعه تاکید داشت؛ زیرا در انتخابات «۲۰۰۲ و ۲۰۰۷» که با پیروزی اردوغان همراه بود، کردها از وی حمایت کامل داشتند و این امر با روند الگوی رأی‌دهی کردها در سال ۲۰۱۱ که جذب حزب «صلح و دموکراسی» شده‌اند، کاملاً متفاوت بود. این مسأله بیانگر ناامیدی کردها از سیاست‌های حزب عدالت و توسعه

در حل معضل کردهاست. بی‌شک، حزب مجبور است تا از طریق توجه به حقوق کردها آراء مناطق کردنشین در انتخابات مذکور را مجدداً کسب کند. از طرفی دیگر، روابط ترکیه با اقلیم کردستان عراق، درهای مذاکرات کردها و ترک‌های ترکیه را باز نگه می‌دارد؛ چراکه هرچند ترکیه از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۸ یکی از مخالفان سرسخت قدرت‌گیری کردهای عراق بود و با حمایت از ترکمن‌های شهر کرکوک، باعث ناکامی آنها در دستیابی به این شهر استراتژیک و نفت‌خیز شد؛ اما مناسبات عالی اقلیم کردستان و رابطه دیرینه کردهای عراق و ترکیه، زمینه برای استفاده از پتانسیل اقلیم کردستان را فراهم ساخت و مسعود بارزانی نقش میانجی، میان کردها و ترک‌ها را برعهده گرفت و قدرت چانه‌زنی ترک‌ها را در مقابل عبدالله اوجلان افزایش داد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۱۲۹). همچنین، افزایش ضریب امنیت در فعالیت اقتصادی، امر دیگری است که باید به آن توجه کرد. نظام اقتصادی ترکیه بر امنیت لوله‌های نفت و گاز، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و فعال‌سازی پتانسیل مناطق شرق مبتنی است (Taşpınar & Gönültol, 2014: 5). بنابراین، نیازمند تأمین امنیت مناطق شرقی و لوله‌های نفت و گاز است. این درحالی است که حملات گسترده نیروهای «پ.ک.ک» به لوله‌های نفت و گاز و تأسیسات مهم این مناطق، فعالیت اقتصادی شرکت‌های دولتی و خصوصی را کند کرده است. بنابراین، نظام حاکم ترکیه برای رهایی از این معضل اقتصادی و امنیتی، نیازمند صلح با گروه «پ.ک.ک» است.

به نظر می‌رسد نگرش دولت ترکیه و کردها؛ به‌ویژه «پ.ک.ک»، نسبت به مسأله کردی تفاوت‌های بنیادینی دارد (yavuz, 2009: 189). برای ملی‌گرایان کرد، ریشه مسأله کردها، در بی‌عدالتی تاریخی و انکار حقوق سیاسی و فرهنگی آنها نهفته است که تا امروز نیز به نوعی در جمهوری ترکیه ادامه پیدا کرده است. آنها راه‌حل این مسأله را در به رسمیت شناختن حقوق سیاسی، فرهنگی و ایجاد سیستم فدرالیسم در مناطق کردنشین می‌دانند؛ یعنی نگاه متفاوت نسبت به نگاه دولت ترکیه دارند. تفاوت دیدگاه در

تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها از آشتی ملی ... / ۱۱۱

صورت‌بندی مسأله و مکانیسم حل و فصل آن، زمینه‌ساز بی‌اعتمادی گسترده‌ای در خلال سال‌های مذاکرات صلح بین طرفین گردید. به همین دلیل بود که روند مذاکرات صلح به راحتی و بر اثر وقوع حوادث پس از انتخابات ۷ ژوئن ۲۰۱۵، جای خود را به انکار و اولویت برخورد نظامی و جنگ دوباره با «پ.ک.ک» و دستگیری برخی از فعالان سیاسی و مدنی مناطق کردنشین داد. در کنار این مسأله، موانع مهم دیگری در مسیر رسیدن به صلحی پایدار و پیاده نمودن نتایج مذاکرات صلح وجود دارد که می‌توان به موارد چندی اشاره نمود. ابهام و عدم شفافیت مفاد توافقنامه بین دولت و اوجالان، عدم دید مثبت در داخل سازمان «پ.ک.ک» نسبت به توافقنامه، عدم طی روال قانونی توافقنامه در پارلمان و طرح امنیتی جدید دولت ترکیه که سیاستمداران آن را در تقابل با صلح با کردها می‌دانند، از جمله این موانع است.

وقایع سیاسی جدیدی که فضای کنونی ترکیه با آن روبه‌روست، نه‌تنها بر فاصله بین کردها با آنکارا افزوده است؛ بلکه تعریف جدیدی از مسأله کردها ارائه کرده است که نشان می‌دهد چالش‌های عمیقی فراروی رهبران ترکیه قرار دارد. ناکامی حزب عدالت و توسعه در انتخابات بهار ۲۰۱۵ که پس از ۱۳ سال حاکمیت این حزب در ترکیه برای نخستین بار اتفاق می‌افتاد، سبب شد تا اردوغان و هم‌مسلمانان حزبی‌اش سیاست پیچیده‌ای را برای جبران شکست خود و کسب موفقیت در انتخابات دور دوم درپیش گیرند. در همین راستا، اردوغان به بهره‌گیری از ناآرامی‌های پس از انتخابات و درگیری‌های شدید در مناطق کردی پرداخت و دست روی احساسات ناسیونالیستی مردم گذاشت. باید گفت که حزب عدالت از طریق سیاست‌های ناسیونالیستی به خواسته‌های خود رسید؛ به‌طوری که نه تنها در انتخابات پاییز ۲۰۱۵ با کسب ۴۹/۵ درصد آراء، موفق به اخذ کرسی‌های لازم برای تشکیل دولت شد؛ بلکه موجب رضایت و نزدیک شدن حزب «حرکت ملی» به حزب حاکم

گردید؛ اما پیامدهای منفی نیز داشت که مهم‌ترین آنها شدت بخشی شکاف دولت با کردها بود.

کودتای نافرجام ۲۰۱۶ رویداد مهم دیگری بود؛ زیرا در فضای پساکودتا نه تنها اعضای «جنبش گولن» و نهادهای همسو با آن، به اتهام راه‌اندازی کودتا دستگیر و سرکوب شدند؛ بلکه این مسأله دستاویزی برای دستگیری برخی از فعالان کردی و توقیف برخی از نشریات کردها شد؛ «برای نمونه، نشریه اوزگورگوند^۱ به اتهام تبلیغات برای پ.ک.ک. و ارگان رسانه‌ای این سازمان، در ۱۶ آگوست ۲۰۱۶ توقیف شد و برخی از روزنامه‌نگاران آن به اتهام تروریست در ۳۱ آگوست بازداشت شدند» (Hurriyet daily news, 2016) و مصونیت پارلمانی نمایندگان حزب «دموکراتیک خلق‌ها» لغو و اخیراً برای برخی از آنها احضاریه از دادگاه صادر شده است. واضح است که ایجاد این فشارها از سوی دولت و جنگ لفظی و سیاسی رهبران احزاب کرد با مقامات ارشد دولتی در کنار خشونت‌های چند سال اخیر مناطق کردنشین ترکیه، بر عمق شکاف کردی-ترکی بیش از پیش افزوده است و امکان مصالحه سیاسی و بازگشت به سرمیز مذاکره را به گزینه‌ای دشوار تبدیل ساخته است.

برگزاری فرماندوم استقلال اقلیم کردستان عراق در ۲۵ سپتامبر ۲۰۱۷ نیز رویداد دیگری بود که خبر از تقابل دولت ترکیه با مناطق کردنشین کشورش داد. اردوغان اعلام کرد که ترک‌ها خواستار حفظ تمامیت ارضی عراق هستند و برگزاری همه‌پرسی مورد نظر را خطری برای وحدت این کشور نامید (Blanchard, 2017: 1). چرایی نگرانی مقامات ترکیه کاملاً آشکار است؛ زیرا تشکیل دولت کردی در کنار مرزهای ترکیه، تهدیدی بسیار جدی برای امنیت و تمامیت ارضی ترکیه است و می‌تواند به الگوی مناسب برای جدایی‌خواهی کردهای این کشور تبدیل شود؛ به‌ویژه این که در حال حاضر مسأله کردهای

تبیین رویکردهای حزب عدالت و توسعه ترکیه در قبال کردها از آشتی ملی ... / ۱۱۳

ترکیه در وضعیت نامساعدی قرار دارد و مناسبات رهبران کرد و دولت مرکزی در وضعیت پرتنش و خطرناکی به سر می‌برد. در مجموع، به نظر می‌رسد با توجه به گرایش‌های ایدئولوژیک حزب عدالت و توسعه؛ به‌ویژه شخص اردوغان و گسترش و درگیری و خشونت در مناطق کردنشین ترکیه طی چند سال اخیر و اعمال فشار بر فعالان کردی پس از کودتای نافرجام، امکان حل و فصل مسأله کردی برای ترکیه در آینده‌ای نزدیک وجود ندارد یا حداقل بسیار دشوار است.

نتیجه‌گیری

تا پیش از به‌قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، کردها به‌عنوان جامعه اقلیت در دوره آتاتورک و دوره‌های بعدی به خاطر سرکوب شدید و کشتار وسیع، تقریباً فرصت هیچ‌گونه ابراز وجودی پیدا نکرده بودند. آتاتورک با تکیه بر اندیشه‌های ناسیونالیسم ترکی سعی کرد تمامی امکانات را در جهت ایجاد یک دولت قوی صرفاً ترک «برخلاف واقعیت‌های موجود جامعه» به‌کارگیرد. با روی کار آمدن «حزب عدالت و توسعه» تحول جدیدی در سیاست داخلی ترکیه ایجاد شد. این حزب با توجه به سیاست آشتی ملی خود در قالب اصلاحات فرهنگی، سیاسی و اقتصادی؛ از قبیل: ایجاد امکانات رفاهی، آموزشی و سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی، نادیده‌گرفتن سیاست همگون‌سازی اجباری، توجه به هویت کردی و ناسیونالیسم کردی، مذاکرات صلح با پ.ک.ک، گام‌های خوبی در این مسیر برداشته است. با این حال، اقدامات نسبتاً اصلاحی حزب عدالت که در قالب سیاست‌های نرم‌افزاری این حزب و کوشش برای ایجاد آشتی ملی در کشور قابل تعریف است، به‌معنای ایجاد آرامش کامل در منطقه کردنشین ترکیه نبود؛ زیرا از طرفی روند سیاست اصلاحی اردوغان خشم ناسیونالیست‌ها و سکولارها را به‌دنبال داشته و باعث ایجاد شکاف سیاسی بین ناسیونالیست‌ها و سکولارها از یک سو و حزب عدالت از سوی دیگر شده است و از

طرفی دیگر، تهدیدهای فراملی ناشی از تحولات فراملی و منطقه‌ای؛ یعنی آغاز بحران‌های خاورمیانه چون بهار عربی، بحران سوریه، پیدایش گروه‌های تروریستی سلفی و تبعات ناشی از آن، چالش‌هایی را متوجه امنیت داخلی ترکیه کرده است؛ زیرا تداوم بحران در سوریه و حرکت کردهای این کشور به سوی تشکیل اقلیم خودمختار نظیر شمال عراق، همچون الگویی بلافاصله با واکنش کردهای ترکیه همراه بوده است. این مسائل در کنار رویدادهای سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۴ میلادی چون پارک‌گری، تظاهرات کوبانی و سرکوب این تظاهرات از سوی آنکارا، حمله به میتینگ‌های انتخاباتی، حوادث شهر جزیره و سخنرانی‌های اردوغان بر ضد اقلیت کرد و گرایش به سمت سیاست سرکوب، همگی نشان از ضعف دولت در بعد نرم افزاری امنیت مانند مشروعیت، یکپارچگی و توانایی سیاست‌گذاری دارد.

بنابراین، ضعف‌های آشکار دولت ترکیه در برابر تهدیدهای امنیتی داخلی و منطقه‌ای -که بخش عمده‌ای از آنها ریشه تاریخی و ساختاری دارد- باعث شد که حزب عدالت و توسعه رویکرد ترکیبی اصلاحات و سرکوب (چماق و هویج) را در قبال کردها در پیش گیرد؛ سیاستی که دستاوردهایش بیش‌تر در حوزه نظری و رتوریک باقی بماند. مهم‌ترین بازتاب این مسأله، توقف در روند مذاکرات صلح، ناتوانی دولت ترکیه در پی‌گیری و تامین کامل مطالبات اقلیت کرد پس از آشتی ملی و همچنین، گرایش کردها به همبستگی فراملی برای همدردی و حمایت از هموعان خود در کشورهای سوریه و عراق پس از تحولات اخیر خاورمیانه، و درنهایت، خصمانه شدن مواضع یکدیگر و فعال شدن شکاف ترک - کرد در انتخابات ۲۰۱۵ بود. بنابراین، پیشرفت در زمینه دولت- ملت سازی تا حدود زیادی به مؤلفه‌های نیل به مشارکت سیاسی، توسعه اقتصادی و وفاق اجتماعی و یا به عبارت دیگر، ایجاد مفهوم مشترکی از ملت بودن بستگی دارد.

منابع

- حاجی یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۸۷). *سامان سیاسی در عراق جدید*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت خارجه، چاپ سوم.
- جی مارتین، لی. (۱۳۸۹). *چهره جدید امنیت در جهان سوم*، ترجمه قدیر نصری، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- زارع، محمد رضا. (۱۳۸۳). *علل رشد اسلام گرایی در ترکیه*، تهران: انتشارات اندیشه سازان نور.
- یاووز، هاکان. (۱۳۸۹). *سکولاریسم و دموکراسی در ترکیه*، ترجمه احمد عزیزی، تهران: نشر نی.
- بوزان، باری. (۱۳۸۰). «تحول در مفهوم امنیت بین الملل و جامعه بین الملل و امنیت بین الملل»، ترجمه کابک خیبری، *فصلنامه فرهنگ و اندیشه*، سال اول، شماره سوم و چهارم.
- قهرمان پور، رحمان. (۱۳۸۳). «آینده روابط ترکیه و ایران»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال یازدهم، ش ۱.
- Albayrak, A., Tol. (2013) "*Terrorist pkk Halts withdrawal from urky, Maintains cease of fire,*" *Washington universitys in stitute for Middle East studies*, pp.4.8
- Aybayrak, A. (2013) "*Turkeys long Awaited Democracy Packag: the Rundown*" *wall street journal Europe*.
- Aliye, pekincelic & Lelac Noqvi (2007), "*(ADFAI), December. P, 9*"
- Andrew Blum & Amy pate, (2004) "*Improving Ethnic Analysis through the use of comparative scenarios, a prototype cases report on the kurds in turkey*", University of Maryland., pp.15- 16.
- Atacan f. (2005), "*Explaining Religious politics at the coss road: AKP-sp,*" *studies*, (2), pp.181-182.
- Baykal, z. (2013) "*Geziparkidirenciart*" *Ortudoguteknik, Irkgilikuyesi*" (RCO5), *universitesi.turkey*, p.5.
- Bahchelia T. Noel, S. (2011), "*The Justice and Development party and the Kurdish Question*" *innationalisms and politics in turkey political islam, kemalism*

- and the Kurdish issue, edited by Marliscasier and Joost Jongerden.* New York: Routledge, p.112.
- Buzan, Barry. (1983), *People, states and Fear the Nation* (Brighton: University of North California press. PP65-8.
- Blanchard, M. Chirstopher. (2017) "Kurds in Iraq propose controversial Referendum on Independence", *Specialist in Middle Eastern Affairs*.
- Dagi, I. (2008) "the justice and Development party", *Middle East Technical University*, Reserch Interests: Human rights, p.97.
- Democratization Package Passes in the TBMM (2014) "Aljazeera Turky, "Turkish parliament Adopt Democracy pakage, Goes to Recess", *Hurriyet Daily Newo*.
- Gozubuyuk.s&lsezgin.z (1924), "Anayasasi Hakkında Meclis Görüşmeleri", [Parliamentary sessions on 1924 constitution], Ankara: Üniversitesiyasa (Bilgiler fakultesi: Yayın, 1957), p.7.
- Grahame.fuller and Iano (1993). *Lesser, turkeys new Gepolitics* (color: west view pres), p.56.
- Gunay, Defne. (2013) "Europeanization of state capacity and foreign policy: Turkey in the Middle east" *Department of international Relations*, Atılım university, Ankara, Turkey. DoI: 10.1080, /13629395.
- Kalaycıoğlu.E (2011) "the Turkish Odyssey and Political Regime change in turkey" *south European society and politics* (sp.iss.si), vol16, no2, pp.272-274.
- Kamrava.M. (1998), "pseudo-Democratic politics and populist. the Rise and Demise OF Turkeys Refah party", *British Journal of Middle Eastem studies*, 25(2), pp.275.
- kayhan.o (2014) "pasane Department of internations". *Islk university, Mesratiyetkoyu*, Üniversitesokak, No.:2, 34980 sile, Istanbul, turkey P.p.82- 83.
- _____ "Turkey's Kurdish opening Long Awaited and failed Expectations", *Department of International Relations*, Isik University, Mesrutiyet Koyu, Üniversite sokak, Sile, Istanbul, Turkish studies, 15:1, 81-99, DoI: 10.1080/14683849.
- Marcus, Aliza (2012) "the kurds in the new Middle East" *new York* :, New york University, Pp.51.52.
- Mahfudh, Ageel, (2012), Syria and Turkey: a turning point or a historical bet? *Arab center for Research and policy studies*, Pp.28-29.

- Polat, k. (2008), "*The Kurdish Issue: can the AKP party. Escape securitization?*", vol10, no3, p.81.
- Philip,R.(2012), " Turkish foreign policy since 2002: between opst-islamist. Government and AKP kamalist" *state International Affairs*, vol3, p293."
- Schleifer,Yiqal,(2013) "*Ankaras new Democratization package Gets MixReviews*" Eurasionet.
- Tuspinar and Gonultol(2014) "*Turkey and the kurds: from predicament to Opportunity*", Washington university, p.5.
- Tuspinar and Gonultol(2014) "*Turkey and the kurds: from predicament to Opporunity*", Washington university,p.2.
- Turkish linguist arrested on terror charges in Ozgur Gundem probe*, September & 2016, <http://www.Hurriyetdailynews.com/Turkish-linguist-arrested-on-terror-chares-in-ozgur-gundem-probe.aspx?PageID=238&nID=103449,&News catID=341>.
- Walker,Joshua,(2012), *turkeys time in Syria: future scenarios*, Brande is University, *crown center for Middle East studies*, no.63, pp.1-2.
- Unver,A. (2011), "*Turkeys –kurdish initiative*": what went wrong?(or did it?) *.London school of Economics and political science by ssali*, p.5.
- Yavuz,(2009),*Secularism and Muslim Democracy hn Turkey*, Cambridge and New York, Cambridge UNIVERSITY PRESS.
- Ziyaonis and Yilmaz(2009),"*Between Europeanization and Euro ASIANISM:foreign policy Activism in turkey adauring the AKP Eraturkishstudie*"s,vol.i,No,ip.
- Guzel,Hasan(2006), "turkey'dekurtsayisinadir"?available at: <http://www.radikal.tr/haber.php?haberno=194974>.
- <http://www.hukuki.net/kanun/1585.15framest.asp>.population low of 1972 waz amended in 2003.
- Explanation the Approaches of the AKP towards Kurds Minorities (From National Reconciliation to Political Repression 2015-2002)

Explanation the Approaches of the AKP towards Kurds Minority (From National Reconciliation to Political Repression 2002- 2015)

Soghra Farahmand: Postgraduate in political science, Payam Noor University Ghazvin.

Alireza Samiee¹ (corresponding author): Associate professor in political science, Yasooj University.

Received on: 15.9.2017

Accepted on: 5.3.2018

Abstract:

The approach adopted by the leader s of AKP party of Turkey towards the Kurdish minority after 2002 parliamentary elections victory showed the sign of move towards national reconciliation in future years. Nevertheless in practice the party could not act to its commitments towards the Kurd minority. The present paper wants to know the reasons for the change of policy and fluctuations of AKP party toward the Kurds minority between 2002 till 2015. The paper make use of qualitative causal method to answer the question as to what have been the causes of widening gap between Turks-Kurds after the decade of reconciliation policy and withdrawal of support of the Kurds to AKP party in 2015 elections? The underlying hypothesis is that the inability of Turkish government led by AKP in pursuing and fulfilling the demands of Kurdish minority and failure of the Kurds to reach their main demands on the one hand and the tendency of the Kurds to extra-territorial solidarity with Syrian Kurds and Iraqi Kurds after the fast happening developments in the Middle East on the other hand led to sharpening the cleavage between the Turks and the Kurds in recent elections. The finding of the study shows that a part of the policies of the AKP remained on rhetoric and in practice could not fulfill the party's objectives. Consequently the failure of the AKP party to pursue and fulfill the demands of the Kurds led to the activation of gap between Turks and Kurds in recent elections.

Key words: Turkey, Kurds minority, AKP, national reconciliation, repression policy

1. alireza.samiee.esf@gmail.com